



دوره ۶ - شماره ۱۴ - بهار ۱۴۰۲

اقدامات نهادهای بین المللی و حمایت از حقوق کودکان در شرایط ناشی از همه گیری کووید ۱۹

مصطفی فضالی، سکینه رضایی

عوامل خشونت در خانواده از منظر قرآن

علی محمدی جورکوبه

تأمین مالی دآوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

مطالعه تطبیقی رویکرد فقه اسلامی و حقوق بشردوستانه در حمایت از حقوق کودکان در جنگ

میثم نوروزی، مهدی اسکندری خوشگو، ساناز ابوالقاسمی

چالش های جایگزین تعقیب کیفری در ایران و ایالات متحده آمریکا

امین امیریان فارسانی

اصول و قواعد حاکم بر معاملات بورس اوراق بهادار

سیدعلی قائم منش

بررسی اختلاف حقوق مسلمان و کافر با مسئله کرامت انسانی

شقایق عامریان، محمدرضا کیخا

تاملی در سیاست جنایی و تقنینی ایران در قبال تشهیر متهمان با نگاهی بر فقه و اسناد بین المللی

علی پایدارفرد، جواد نادری عوج بغزی، احمدرضا امتحانی

گذری بر مالکیت اموال غیرمادی غیرفکری در حقوق ایران

مریم طاهری سرتشنیزی

بازکاوی مبانی فقهی ایقاع یا عقد بودن ابراء در فقه مذاهب اسلامی

مرتضی رحیمی، علی محمودی کاکونی

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال نقض حقوق شهروندی توسط پلیس سایبری

محمد خورشیدی اطهر

نقد و ارزیابی سیاست جنایی کنشی (پیشگیرانه) از فساد اداری در نظام کیفری ایران

رستم علی اکبری، سعید احمدی، ایرج مروتی، بهنام کریمی

سیاست کیفری افتراقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی

یاسر شاکری



Differential Criminal Policy of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran and the United States of America in Crimes Against Public Security and Peace

سیاست کیفری افتراقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی

Yasser Shakeri
PhD in Criminal Law and Criminology

یاسر شاکری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

sssf200@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-7732-8125>

Abstract

Background and purpose: criminal policy is a different term that has a special place in the science of law, and due to the limited scope of activity, competence and people under its coverage, it has received less attention; The importance of recognizing the differential criminal policy, especially in the field of armed forces proceedings, can be seen as subordinate to the importance of the principles, organizations, ideals and goals of the armed forces, which act as the pillars of every country and protect the security and comfort of the people; Military proceedings can be considered as one of the main and most important examples of differential proceedings, which is itself one of the branches of differential criminal policy in the legal system of Iran and the United States of America.

Method: The present research was carried out with a descriptive-analytical method.

Findings: The differential criminal policy of the Islamic Republic of Iran and the United States of America is a security-oriented approach in dealing with crimes against security by the armed forces, considering that maintaining order and security is of high importance.

Conclusion: The results of the research indicate that the armed forces of the Islamic Republic of Iran and the United States of America have considered a strict criminal policy for the perpetrators of these crimes due to the importance of crimes against public security and peace.

Keywords: Criminal Policy, Security and Public Comfort, Armed Forces, Islamic Republic of Iran, United States of America.

چکیده

زمینه و هدف: سیاست کیفری افتراقی از اصطلاحاتی است که در علم حقوق دارای جایگاه خاصی بوده و به جهت محدودبودن گستره فعالیت، صلاحیت و افراد تحت الشمول خود کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ اهمیت شناخت سیاست کیفری افتراقی به‌ویژه در زمینه دادرسی نیروهای مسلح را می‌توان تابع اهمیت اصول، تشکیلات، آرمان‌ها و اهداف نیروهای مسلح دانست که به‌عنوان رکن رکن هر کشور و حافظ امنیت و آسایش مردم فعالیت می‌نمایند؛ دادرسی نظامی را می‌توان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مصادیق دادرسی افتراقی که خود یکی از شاخه‌های سیاست کیفری افتراقی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا است برشمرد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

یافته‌ها: سیاست کیفری افتراقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا با توجه به این نکته که حفظ نظم و امنیت در درجه بالای اهمیت قرار دارد رویکردی امنیت محور در رسیدگی به جرائم علیه امنیت توسط نیروهای مسلح می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا با توجه به اهمیت جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای را برای مرتکبین این جرائم در نظر گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، امنیت و آسایش عمومی، نیروهای مسلح، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا.

Received: 2023/01/20 - Review: 2023/05/02 - Accepted: 2023/05/16

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

ارجاع:

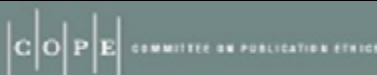
شاکری، یاسر؛ (۱۴۰۲)، سیاست کیفری افتراقی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تمدن حقوقی، شماره ۱۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

برخی از مصادیق مجرمانه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، با توجه به تفکر حاکم بر سیاست گذاری در جهت افتراقی نمودن جرائم، به گونه‌ای مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است که ضمن تأکید بر حفظ نظم عمومی، در حفظ نظم یگان‌های نظامی نیز مؤثر واقع گردد. به عبارت دیگر جرائم نظامی در پاره‌ای از مواقع در صورت عدم تأکید بر مقابله با آن، می‌تواند در نظم عمومی نیز اختلال ایجاد نماید که از جمله مصادیق آن، استفاده غیرقانونی از سلاح می‌باشد.

جرائم علیه امنیت کشور را به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نموده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد با توجه به ذکر جرائم مذکور در فصل دوم ۱ (ماده‌های «۱۷» الی «۲۸») قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲^۱، بیانگر آن است که اصولاً جرائم علیه امنیت کشور می‌تواند شامل امنیت داخلی و خارجی محسوب گردند. وجهه دیگر جرائم علیه امنیت داخلی کشور می‌تواند در مبحث جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی کشور نیز اطلاق گردد که در واقع آثار ناشی از این نوع از جرائم، می‌تواند آثار مخرب و زیان‌آوری به صورت مستقیم متوجه منافع کشور نماید و حتی موجب خدشه دار شدن یا به خطر افتادن استقلال و تمامیت ارزشی کشور نیز گردد. این دسته از جرائم در پاره‌ای از مواقع حتی امکان آن را دارد که در روابط سیاسی بین دولت‌ها نیز خدشه وارد نمایند (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۵۹). بنابراین با توجه به اثرات مخربی که جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور می‌توانند بر کشور حادث نمایند، به همین

۱- فصل دوم: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

۲- ماده‌های «۸» الی «۱۴» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱

میزان، تقنین قوانین در این حوزه نیز از حساسیت بیشتری برخوردار بوده و قانون‌گذار تمام‌الاهتمام خود را در جهت تدقیق مجازات‌هایی همسو با خسارات و زیان‌های ناشی از جرائم از این دست در نظر گرفته است (محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۴، ۱۶). قانون‌گذار در فصل دوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مصادیقی را به‌عنوان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی برشمرده است که خارج از مصادیق مذکور، دیگر عنوان مجرمانه فوق را نخواهند داشت.

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی در صدد شناسایی نقاط مشترک و افتراقات سیاست کیفری افتراقی در جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌باشد. پرسش پیش روی پژوهش این است که سیاست کیفری حاکم بر جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی در مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه می‌باشد؟

۱- سیاست کیفری ایجاد احراق و تخریب در نظام کیفری نیروهای مسلح

۱-۱- سیاست کیفری ایجاد احراق و تخریب در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

قانون‌گذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، از ورود به بحث سهوی یا بر مبنای خطا و بی‌مبالاتی در ایجاد آتش سوزی و تخریب عبور نموده و به آن در فصل نهم^۳ هیچ اشاره‌ای ننموده است. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در خصوص موارد غیرعمد، به قوانین مجازات اسلامی در خصوص بی‌مبالاتی و خطا، اکتفاء نموده و آن را مبنای مجازات دانسته است. اما در ماده «۹۳»^۴ (ماده «۲۵۵»^۵ قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۸۶»^۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و ماده «۷۲»^۷ قانون مجازات

۳- فصل نهم: آتش زدن و تخریب و اتلاف

۴- ماده ۹۳: هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسائل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسائل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

۵- ماده ۲۵۵: هر نظامی که عمداً به نحوی از انحاء ابنیه، ساختمان‌ها، استحکامات نظامی و مغازه‌ها و انبارها و کشتی و قایق‌هایی را که مورد استفاده قشون است آتش بزند و یا به وسیله ترکانیدن مین آن‌ها را خراب کند محکوم به اعدام یا خلع درجات نظامی است.

۶- ماده ۳۸۶: هر نظامی که عمداً به نحوی از انحاء ابنیه و ساختمان‌ها و استحکامات نظامی و مغازه‌ها و انبارها و کشتی‌ها و قایق‌ها و راه‌ها و وسائل ارتباط و مخابراتی را که مورد استفاده ارتش است آتش بزند و یا به وسیله ترکانیدن مواد محترقه آن‌ها را خراب کند محکوم به اعدام است.

جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱) قانون‌گذار مصادیقی از ایجاد خرابکاری در نیروهای مسلح را نام برده است، ولی مصادیق فوق‌تشمیلی بوده و قانون‌گذار در متن ماده مذکور از کلمه «ملزومات جنگی» نیز نام برده که می‌تواند دارای معانی گسترده‌تری باشد. در بحث مجازات نیز قانون‌گذار، مجازات را پیرامون ارتکاب به جرم آتش‌سوزی، تخریب و حتی اتلاف، به دو بخش تقسیم نموده است. در بخش اول اگر رفتار مورد اشاره در ماده «۹۳» فاقد هرگونه سوءنیت پیرامون اخلال در نظام و شکسته‌شدن جبهه اسلام باشد به مجازات حبس از سه سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد و در غیر آن در صورت اثبات اخلال در نظام و یا آثار آتش‌سوزی موجب شکست جبهه اسلام گردد، مرتکب به عنوان محارب شناخته خواهد شد.

نکته جالب توجه در قانون‌گذاری در این حوزه، متن ماده «۹۴»^۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است که به نظر می‌رسد، با توجه به کامل‌بودن ماده «۹۳» لزومی به نص آن نبود (ماده «۲۵۶»^۹ قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۸۷»^{۱۰} قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و ماده «۷۳»^{۱۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). این ماده می‌توانست ابعاد دیگری را مورد اشاره قرار دهد ولی بنا بر دلایل زیر به نظر می‌رسد که وجود آن در قانون مجازات جرائم نیروهای

۷- ماده ۷۲: هر نظامی عمدتاً و با سوءنیت تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل ارتباطی و مخبراتی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات را آتش‌بزند یا تخریب کند یا دیگری را وادار به آن نماید یا دام‌های مورد استفاده نیروهای مسلح را تلف یا ناقص کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم می‌شود.

۸- ماده ۹۴: هر نظامی که غیر از موارد یاد شده در ماده (۹۳) این قانون، عمدتاً سایر اموالی را که در اختیار نیروهای مسلح است، آتش‌بزند یا تخریب یا تلف کند یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و اگر عمل وی موجب اخلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب محکوم می‌شود.

۹- ماده ۲۵۶: هر نظامی که عمدتاً به وسایل دیگری غیر از حریق و ترکانیدن مین‌ابنیه و ساختمان و استحکامات نظامی و مغازه‌ها و انبارها و کشتی‌هایی را که مورد استفاده قشون است خراب یا تلف کند به حبس موقت با اعمال شاقه محکوم می‌گردد.

۱۰- ماده ۳۸۷: هر نظامی که عمدتاً به وسایل دیگری غیر از حریق و ترکانیدن مواد محترقه ابنیه و ساختمان و استحکامات نظامی و مغازه‌ها و انبارها و کشتی‌ها و راه‌ها و وسایل ارتباط و مخبراتی را که مورد استفاده ارتش است خراب یا تلف کند به حبس با کار از سه تا پانزده سال محکوم می‌گردد.

۱۱- ماده ۷۳: هر نظامی که عمدتاً اموالی را که در اختیار نیروهای مسلح است غیر از آنچه در ماده فوق ذکر شده تلف کند یا بسوزاند یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و اگر عمل وی موجب افساد و اخلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام گردد محارب محسوب می‌شود.

مسلح مصوب ۱۳۸۲ امری اضافی باشد که قانون‌گذار آن را ذکر نموده است. نکته اول این‌که، مال^{۱۲} در قانون مدنی و سایر قوانین مورد اشاره و معنی قرار گرفته است، این‌که اموالی در نیروهای مسلح آن قدر حائز اهمیت باشد که آتش زدن آن موجبات شکسته جبهه اسلام را فراهم سازد، دقیقاً همان مصادیقی است که قانون‌گذار در ماده «۹۳» به آن اشاره داشته است، بنابراین اگر منظور از آتش زدن و تخریب سایر اموال در نیروهای مسلح مانند برخی از ملزومات همچون کولر یا ساختمان اداری و امثالهم باشد که به نظر نمی‌رسد که آتش گرفتن اقلام مذکور، موجبات شکست جبهه اسلام را فراهم سازد. یا اینکه موجب به هم خوردن امنیت کشور گردد. نکته دوم این‌که، با توجه به مجازات قید شده در ماده «۹۴» که به مراتب کمتر از مجازات ماده «۹۳» می‌باشد، چگونه امکان‌پذیر است که اموال منظور قانون‌گذار در ماده «۹۴» در صورت آتش سوزی و تخریب موجبات شکست جبهه اسلام را فراهم سازد و اگر تا این اندازه دارای حساسیت می‌باشند، دیگر ذکر آن در ماده «۹۴» نمی‌تواند محملی از موضوع باشد و همان بهتر که در ماده «۹۳» به صورت کلی از آن یاد می‌گردید.

عنصر مادی ماده «۹۳»، آتش زن یا تخریب یا تلف کردن تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل ارتباطی و مخبراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوای اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه و یا مهمات یا مواد منفجره است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۷۱). جرائم موضوع ماده‌های «۹۳» و «۹۴» از جمله جرائم عمدی هستند که در آن‌ها وجود سوءنیت شرط است و واژه «عمدا» که در ماده‌های مزبور به کار رفته است، از باب تأکید است و تأثیری در ماهیت جرم ندارد. ارتکاب جرائم ماده‌های مذکور ممکن است به مباشرت صورت گیرد یا فردی دیگری را وادار به آن نماید که در این صورت وادارکننده، به‌عنوان فاعل معنوی^{۱۳} شناخته می‌شود. در این حالت چنانچه «دیگری» که مرتکب

۱۲- مال عبارت است از چیزی که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول بوده و ارزش مبادله را دارا باشد. بنابراین حقوق مالی مانند حق تحجیر و حق شفعه و حق صاحب علامت تجاری هم مال محسوب می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۵۹۵).

۱۳- فاعلیت معنوی در جرم وقتی محقق می‌شود که متهم از فردی که ظرفیت و توانایی ارتکاب جرم را ندارد و عنصر روانی برای ارتکاب جرم نیست، برای انجام جرم استفاده کند (غلامی و بحیرایی، ۱۳۹۶، ۹). حقوقدانان کیفری به جای استفاده از اصطلاح فاعل معنوی از الفاظ دیگری مثل مباشر معنوی، مرتکب فکری یا روانی و مباشر بالواسطه استفاده کرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد اصطلاح فاعل معنوی نسبت به دیگر الفاظ ارجحیت دارد. اصطلاح مباشر معنوی و مرتکب روانی صحیح به نظر نمی‌رسد چون لفظ مباشر از فقه امامیه وارد حقوق کیفری ایران شده است و فقها در مباحث جزایی از جمله مباشرت در ارتکاب جرم از مفاهیم حقوق مدنی و با همان معنا استفاده کرده‌اند و در حقوق مدنی نهادی به نام مباشر معنوی وجود ندارد و لذا تقسیم مباشر، به مباشر

جرم شده است، مشمول قاعده عدم مسئولیت کیفری به لحاظ اجبار یا اکراه تام که عادتاً قابل تحمل نباشد نگردد، هر دو نفر محکوم به مجازات مقرر در ماده‌های مزبور می‌شوند (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۷۲). ماده «۹۳» به طور خاص بیان می‌دارد که هر نظامی که عمداً تأسیسات یا ساختمان‌ها یا استحکامات نظامی یا کشتی یا هواپیما یا امثال آن‌ها یا انبارها یا راه‌ها یا وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی و اسلحه یا مهمات یا مواد منفجره را آتش بزند یا تخریب کند یا از بین ببرد یا دیگری را وادار به آن نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود. بنابراین در قوانین جمهوری اسلامی ایران پانزده سال حبس برای آتش سوزی در نظر گرفته شده است.

در قوانین ایالات متحده آمریکا، ایجاد حریق و آتش سوزی نسبت به اموال نیروهای مسلح، از جمله جرائمی است که در دادگاه نظامی مورد مجازات واقع خواهد گردید. آتش سوزی و ایجاد حریق از جمله جرائمی است که در قوانین عادی و نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا مورد تأکید قرار گرفته است، اگرچه این عمل معمولاً شامل ساختمان‌ها می‌شود، اما اصطلاح آتش سوزی می‌تواند به سوزاندن عمدی موارد دیگر مانند وسایل نقلیه موتوری، کشتی‌های آبی یا جنگل‌ها نیز اشاره داشته باشد. قانون‌گذار در ماده «۱۲۶»^{۱۴} قانون دادرسی نظامی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۰ (اصلاحی ۲۰۰۷)^{۱۵} به موضوع ایجاد آتش سوزی و حریق اشاره داشته است. در ماده مذکور قانون‌گذار جرم ایجاد آتش سوزی را به ساده و غیر از آن تقسیم‌بندی نموده است. در آتش سوزی ساده صرفاً خسارات و زیان از سوی مجرم به

مادی و معنوی فاقد وجهت قانونی است. مرتکب فکری یا روانی نیز صحیح نمی‌باشد زیرا، متعلق ارتکاب جرم، رکن مادی است و مرتکب جرم مانند مباشر جرم قابل تقسیم به مادی و معنوی نمی‌باشد. مباشر بالواسطه نیز صحیح به نظر نمی‌رسد به این دلیل که مستقیم‌بودن جزء ذات و ماهیت مباشر است و قابل تقسیم به مباشر بدون واسطه و بالواسطه نیست و علاوه بر آن، مباشر بالواسطه مفهوم مبهمی است که شامل فاعل مادی نیز می‌شود (اردبیلی و فروتن، ۱۳۹۵، ۱۳).

14- ART. 126. Arson. (a) Any person subject to this code who willfully and maliciously burns or sets on fire a dwelling in which there is at the time a human being, or any other structure, water craft, or movable, wherein to the knowledge of the offender there is at the time a human being is guilty of aggravated arson and shall be punished as a court-martial may direct. (b) Any person subject to this code who willfully and maliciously burns or sets fire to the property of another, except as provided in subdivision (a) of this article, is guilty of simple arson and shall be punished as a court-martial may direct. (c) Any person subject to this chapter who, willfully, maliciously, and with intent to defraud, burns or sets fire to any property shall be punished as a court-martial may direct.

15- Uniform Code of Military Justice (UCMJ)

اموال اعم از منقول و غیرمنقول وارد آمده و به اتهام آتش سوزی و ایجاد حریق ساده، مورد محاکمه قرار می‌گیرد، اما در رابطه با جرایم غیرساده، مرتکب، در ایجاد آتش سوزی در زمانی که انسانی دیگر در مکان آتش سوزی مورد صدمه واقع می‌گردد، نوع جرم و رسیدگی به آن متفاوت خواهد بود.

۱-۲- وجوه اشتراک و افتراق سیاست کیفری ایجاد احراق و تخریب در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار تلاش داشته تا اختیار محکمه را در حین رسیدگی به تحقیقات مقدماتی، نسبت به ایراد اتهام به هم خوردن امنیت کشور، محدود ننموده و از آزادی عمل برخوردار گردد، و گرنه با توجه به ذکر مصادیق و تأکید به هم خوردن امنیت کشور در ماده «۹۳»، به نظر می‌رسد نیازی به ذکر آن در ماده «۹۴» نبوده است. اما در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا به موضوع مهم‌تری اشاره گردیده است و آن این که قانون‌گذار به یک نکته دیگر در مورد شق اول آتش سوزی اشاره داشته و آن آگاهی مجرم از بودن انسانی یا شواهدی که انسانی در آن زمان در محل حریق حضور داشته باشد. بنابراین اگر اثبات گردد که مجرم در زمان حریق به این امر آگاهی نداشته که انسانی در محل مذکور می‌باشد، او به جهت عدم اطلاع و آگاهی، به جرم ایجاد حریق به صورت ساده مورد محاکمه نظامی قرار می‌گیرد.

۲- سیاست کیفری جعل در نظام کیفری نیروهای مسلح

۱-۲- سیاست کیفری جعل در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا
 قانون‌گذار در ماده «۹۵»^{۱۶} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به مصادیق جرم سوءاستفاده از جعل و تزویر در نیروهای مسلح و مجازات‌های مترتب بر آن پرداخته است (ماده «۲۶۲»^{۱۷}

۱۶- ماده ۹۵: هر نظامی که حکم یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط فرماندهی کل قوا را به اعتبار مقام وی جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

۱۷- ماده ۲۶۲: هر نظامی، هر مدیر و هر متصدی محاسبات نظامی که عالماً میزان عده یا اسب یا ایام حضور آن‌ها را در صورتحساب‌های احصائیه و راپرت‌ها علاوه بر آن چه موجود است قلمداد نماید یا میزان مصرف را علاوه بر مقدار واقعی قلم دهد یا هر جعل و تزویر دیگری در محاسبات خود مرتکب شود محکوم به حبس موقت با اعمال شاقه است. در صورت بودن علل مخففه مجازات مرتکب به حبس مجرد تبدیل می‌شود.

قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۹۲»^{۱۸} قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و ماده «۷۵»^{۱۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱). یادآوری این نکته لازم است که در جعل دستخط تفاوتی نمی‌نماید که دستخط رسمی باشد یا غیررسمی و به هر صورتی که دستخط منتسب به «فرماندهی کل قوا» باشد، جرم صورت پذیرفته است. قانون‌گذار در تعیین مجازات جرم جعل و تزویر، به تناسب مقامی که جعل به نام وی صورت گرفته، مجازات را تعیین می‌نماید. به عنوان مثال در مصادیق جعل منتسب به فرماندهان و مسئولان رده نیروهای مسلح حبس از یک سال تا ده سال منظور گردیده است که در ماده «۹۶» به آن اشاره گردیده است. یا در ماده «۹۷» جعل منتسب به سایر فرماندهان و مسئولان را یک سال تا پنج سال حبس در نظر گرفته است. همچنین قانون‌گذار مصادیق دیگری از جرم جعل و تزویر را در ماده‌های «۹۸»^{۲۰}، «۹۹»^{۲۱}، «۱۰۰»^{۲۲}، «۱۰۱»^{۲۳}، «۱۰۳»^{۲۴}، «۱۰۴»^{۲۵}، «۱۰۵»^{۲۶}، «۱۰۶»^{۲۷} و «۱۰۷»^{۲۸} در

۱۸- ماده ۳۹۲: هر نظامی یا متصدی محاسبات نظامی که عالماً میزان عده افراد یا دام‌ها یا ایام حضور آن‌ها و سایر وسایط نقلیه و متعلقات آن و همچنین سایر ملزومات و احتیاجات ارتش را در صورت حساب‌ها و آمار و سایر اسناد مربوطه و گزارشات به منظور سوءاستفاده علاوه بر آنچه حقیقتاً موجود بوده است قلمداد نماید یا میزان مصرف را علاوه بر مقدار واقعی قلم دهد به حبس مجرد از دو تا پنج سال به علاوه رد عین یا بهای آنچه از این راه سوءاستفاده نموده است به خزانه ارتش محکوم می‌شود. چنانچه ارتکاب این عمل به وسیله مخدوش نمودن یا تراشیدن یا حک کردن یا محو کردن و یا الحاق در اسناد دولتی صورت گرفته باشد کیفر مرتکب علاوه بر رد آنچه از این راه استفاده نموده حبس مجرد از دو تا ده سال است.

۱۹- ماده ۷۵: هر نظامی که امضای یکی از فرماندهان یا مسئولین نیروهای مسلح را جعل یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد اعم از این که بالمباشره باشد یا به واسطه به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌گردد.

۲۰- ماده ۹۸: هر نظامی که با مباشرت یا به واسطه، مهریکی از نیروهای مسلح را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.

۲۱- ماده ۹۹: هر نظامی که با مباشرت یا به واسطه، منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر مورد استفاده قرار دهد به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد.

۲۲- ماده ۱۰۰: هر نظامی که مهر یا تمبر یا علامت یکی از نیروهای مسلح یا سازمان‌ها و یا ادارات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها را بدون مجوز به دست آورده و به صورت غیرمجاز استفاده کرده یا موجبات استفاده آن را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

۲۳- ماده ۱۰۱: هر نظامی که از مهر، تمبر یا علامت مذکور در مواد قبل این فصل که به او سپرده شده به صورت غیرمجاز استفاده کند یا سبب استفاده شود، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

فوق الذکر تعیین نموده است. بنابراین توجه ویژه‌ای به مبحث جعل که در کنار تزویر قرار داده شده در قوانین جمهوری اسلامی ایران شده است و در ماده‌های «۹۵» الی «۱۱۷» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ (ماده‌های «۷۵» الی «۸۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱) گنجانده شده است. چرا که یکی از مهم‌ترین اقدامات غیراخلاقی که ممکن است از سوی نظامیان اتفاق بیافتد جعل و سوءاستفاده از لباس نظامی است و در مجموع این ماده‌ها بیان می‌دارند که هر نظامی که اقدام به جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس محکوم خواهد شد.

عنصر مادی جرائم موضوع ماده‌های «۹۵»، «۹۶»، «۹۷» و «۹۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ساختن حکم یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط فرماندهی کل قوا یا حکم یا امضاء یا مهر فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح یا مهر سازمان‌های نظامی و انتظامی می‌باشد که در برخی موارد مانند حکم یا فرمان و یا دستخط، جعل ممکن است به صورت تغییرات صورت گیرد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۸). برابر ماده «۲» ۲۹ آئین نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ به تدابیر، دستورها و مصوبات شفاهی و کتبی مقام معظم فرماندهی کل قوا که در رابطه با نیروهای مسلح ابلاغ می‌گردد فرمان می‌گویند. حکم در معنای خاص خود، رای دادگاه می‌باشد، اما در معنای عام کلمه به دستورها و ابلاغیه‌ها که توسط مقامات ذیصلاح قانونی در رابطه با امور اداری و استخدامی صادر می‌شود،

۲۴- ماده ۱۰۳: هر نظامی که در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و آمار و محاسبات و دفاتر و غیر آن‌ها از نوشته‌ها و اوراق رسمی مربوط به امور نظامی و یا راجع به وظایف جعل یا تزویر کند اعم از اینکه امضاء یا مهری را ساخته و یا امضاء یا مهر یا خطوطی را تحریف کرده یا کلمه‌ای را الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌گردد.

۲۵- ماده ۱۰۴: هر نظامی که در تحریر نوشته‌ها، قراردادهای و مقاله‌نامه‌های راجع به وظایف مرتکب جعل یا تزویر شود اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهد یا گفته و نوشته یکی از مقامات یا تقریرات یکی از طرف‌ها را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

۲۶- ماده ۱۰۵: هر نظامی که اوراق مجعول مذکور در مواد (۱۰۳) و (۱۰۴) این قانون را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد.

۲۷- ماده ۱۰۶: هر نظامی که به مناسبت انجام وظیفه به یکی از طرق مذکور در اسناد و نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

۲۸- ماده ۱۰۷: هر نظامی که اوراق مذکور در ماده (۱۰۶) این قانون را با علم به جعلی بودن آن‌ها مورد استفاده قرار دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

۲۹- ماده ۲: فرمان، تدابیر، دستورات و مصوبات شفاهی و کتبی مقام معظم فرماندهی کل قوا که در رابطه با نیروهای مسلح ابلاغ می‌گردد.

حکم می‌گویند (بند «پ» ماده «۱») ^{۳۰} قانون استخدام کشوری مصوب (۱۳۴۵).

موضوع ماده «۹۹» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ جعل منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح و یا استفاده از علامت یا منگنه مجعول است (ماده «۷۶» ^{۳۱} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱). جرم جعل محدود به نوشته یا سند نیست، بلکه مقنن ساختن متقلبانه اشیاء دیگری را نیز در قانون جعل محسوب نموده است. برای جعل این گونه اشیاء نیز مانند اسناد و نوشته‌ها، ارزش قضایی یا قابلیت استناد برای اثبات یا نفی حقی شرط است. در این مورد می‌توان به جعل مهرهای رسمی، منگنه و علامت مؤسسات و ادارات دولتی یا نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا خصوصی یا مؤسسات عمومی و یا علائم تجاری تجارت‌خانه‌ها اشاره نمود. این اشیاء چون متعلق به دولت بوده و جنبه رسمی دارند و یا از طرف مقامات دولتی مورد تأیید قرار گرفته‌اند، استعمال آن‌ها به منزله امتیازی است که دولت به اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌دهد، بنابراین جعل آن‌ها موجب اضرار به غیر می‌گردد و مرتکب مستوجب تعقیب کیفری می‌باشد. جعل علامت یا منگنه چه به صورت مباشرت باشد یا به واسطه، مشمول مقررات ماده «۹۹» قانون مزبور می‌شود (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۹).

عنصر مادی جرم موضوع ماده «۱۰۰» قانون مذکور، استفاده غیرمجاز از مهر یا تمبر یا علامت نیروهای مسلح یا سازمان‌ها یا ادارات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها و یا فراهم نمودن موجبات استفاده آن است (ماده «۲۶۲» ^{۳۲} قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۹۴» ^{۳۳} قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و

۳۰- ماده ۱: تعاریف: پ- حکم رسمی عبارت از دستور کتبی مقامات صلاحیتدار وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در حدود قوانین و مقررات مربوط است.

۳۱- ماده ۷۶: هر نظامی مهر یا منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح و یا ادارات و شرکت‌ها و سازمان‌هایی را که مطابق قانون تشکیل شده است جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شود.

۳۲- ماده ۲۶۲: هر نظامی، هر مدیر و هر متصدی محاسبات نظامی که عالماً میزان عده یا اسب یا ایام حضور آن‌ها را در صورت حساب‌های احصائیه و راپرت‌ها علاوه بر آن چه موجود است قلمداد نماید یا میزان مصرف را علاوه بر مقدار واقعی قلم دهد یا هر جعل و تزویر دیگری در محاسبات خود مرتکب شود محکوم به حبس موقت با اعمال شاقه است.

۳۳- ماده ۳۹۴: هر نظامی یا متصدی محاسبات نظامی که مهرها و تمبرها و سایر علامات نظامی را که در روی اسناد و نوشتجات رسمی مربوطه به امور نظامی یا روی هر قبیل اشیاء متعلق به ارتش به کار می‌رود تقلید نموده و یا با علم به ساختگی بودن آن‌ها را استعمال کند به حبس با کار از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود.

ماده «۷۷»^{۳۴} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب (۱۳۷۱). مرتکب جرم موضوع ماده فوق چه شخصا از مهر یا علامت یا تمبر استفاده غیرمجاز نماید و یا موجبات استفاده آن را فراهم نماید به مجازات مقرر در ماده محکوم می‌شود. اگر مرتکب مهر یا علامت یا تمبر را بدون مجوز به دست نیاورده باشد، مانند این که مهر یا علامت یا تمبر به وی سپرده شده باشد ولی استفاده آن غیرمجاز باشد، مشمول مقررات ماده «۱۰۱» قانون فوق می‌گردد. سبب استفاده غیرمجاز نیز همین حکم را دارد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۹).

موضوع ماده «۱۰۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ جعل در نوشته‌ها و اسناد رسمی است (ماده «۲۶۵»^{۳۵} قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، ماده «۳۹۵»^{۳۶} قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ و ماده «۷۹»^{۳۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). ماده «۱۲۸۶»^{۳۸} قانون مدنی سند را بر دو نوع رسمی و عادی تقسیم نموده است. ماده «۱۲۸۷»^{۳۹} مقانون مزبور اسنادی را که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد، رسمی نامیده است. غیر از این موارد سایر اسناد برابر ماده «۱۲۸۹»^{۴۰} قانون مذکور عادی محسوب می‌شوند. منظور از سند عادی، سندی است که به وسیله افراد

۳۴- ماده ۷۷: هر نظامی مهر یا تمبر یا علامت یکی از نیروهای مسلح یا ادارات و یا شرکت‌های مذکور در ماده (۷۶) را برخلاف ترتیب به دست آورده و به طریقی که به حقوق و منافع نیروهای مسلح ضرر وارد نماید استفاده کرده یا سبب استفاده شود علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۳۵- ماده ۲۶۵: هر نظامی یا هر مدیر یا متصدی محاسبات نظامی که اصل مهر و علامت رسمی دولتی مذکوره در ماده قبل را به دست آورد و یا از راه تقلب یا برای تضييع حقوق دولت یا افراد نظام استعمال کند یا در صدد استعمال آن بر آید محکوم به حبس مجرد است.

۳۶- ماده ۳۹۵: هر نظامی یا هر متصدی محاسبات نظامی که اصل مهر و علامات رسمی دولتی را به دست آورده و از راه تقلب برای تضييع حقوق دولت یا افراد نظام استعمال کند به حبس مجرد از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

۳۷- ماده ۷۹: هر نظامی که حین انجام وظیفه در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجل‌ها و آمار و محاسبات و دفاتر و غیر آن‌ها از نوشته‌ها و اوراق جعل یا تزویر کند اعم از این که امضاء یا مهری را ساخته و یا امضاء یا مهر یا خطوطی را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از دو تا شش سال محکوم می‌گردد.

۳۸- ماده ۱۲۸۶: سند بر دو نوع است. رسمی و عادی.

۳۹- ماده ۱۲۸۷: اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسی است.

۴۰- ماده ۱۲۸۹: غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

عادی تنظیم می‌شود و معمولاً تابع تشریفات خاصی نیست و مأموران رسمی دولت در تنظیم آن نقش و دخالتی ندارند. در مواردی هم که سند توسط مأمور رسمی تنظیم می‌گردد ولی مأمور صلاحیت تنظیم سند را نداشته و یا رعایت تشریفات قانونی در آن نشده باشد، سند عادی تلقی می‌شود. مصادیقی از جعل در اسناد رسمی عبارتند از: جعل در احکام، تقریرات، اسناد، سجلات، آمار، محاسبات و به‌طور کلی کلیه اسناد و نوشته‌هایی که نظامیان در حدود صلاحیت خود در ارتباط با امور نظامی و یا وظایف شان برابر مقررات تنظیم می‌نمایند (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۷۰). طبق ماده «۱۲۸۴»^{۴۱} قانون مدنی، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد، به عبارت دیگر سند نوشته‌ای است که مثبت حق بوده و دارای ارزش قضایی باشد و یا دلیل اثبات یا نفی امری تلقی گردد. صرف نظامی بودن مأمور تنظیم سند، موجب رسمی بودن آن نمی‌شود بلکه تنظیم سند باید به مناسبت انجام وظیفه و با رعایت تشریفات قانونی باشد. جعل در رونوشت مصدق یا در برگ المثنی اسناد رسمی نیز، حکم جعل در اسناد رسمی را دارد.^{۴۲}

مصادیق جعل که در ماده «۱۰۳» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ذکر شده است، مانند ساختن امضاء یا مهر یا الحاق کلمه یا تغییر اسامی اشخاص حصری نبوده و شامل سایر موارد مذکور در «۵۲۳»^{۴۳} قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مانند خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، سیاه کردن و محو یا اثبات نیز می‌شود. با توجه به تعریف نوشته و سند رسمی و شرایط مقرر در ماده «۱۰۳» برگ مأموریت و اوراق استراحت پزشکی که توسط پزشکان ذیصلاح نظامی برابر مقررات صادر می‌شود، رسمی تلقی و جعل آن‌ها مشمول ماده «۱۰۳» می‌گردد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۷۰). اداره حقوقی قوه قضاییه، برگ مرخصی شهری که توسط مسئول کارگزینی سازمان قضایی نیروهای مسلح برای کارکنان و وظیفه صادر می‌شود را از نوشته‌های رسمی تلقی نموده است.^{۴۴}

موضوع ماده «۱۰۴» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و ماده «۵۳۴»^{۴۵} قانون

۴۱- ماده ۱۲۸۴: سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

۴۲- رای وحدت رویه شماره ۱۲۱۲ مورخ ۱۳۲۰/۰۴/۳۱ دیوان عالی کشور

۴۳- ماده ۵۲۳: جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر این‌ها به قصد تقلب.

۴۴- نظریه مشورتی مورخ ۱۳۷۱/۰۱/۲۲

۴۵- ماده ۵۳۴: هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف شان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و

مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، جعل مفادی یا معنوی است (ماده «۸۰»)^{۴۶} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). عنصر مادی جرم موضوع ماده «۱۰۴» عبارت است از: تغییر موضوع یا مضمون نوشته یا قرارداد یا مقاله نامه و نظایر آن یا تحریف گفته و نوشته یکی از مقامات یا تقریرات افراد و یا امر باطلی را صحیح یا امر صحیحی را باطل جلوه دادن یا چیزی که بدان اقرار نشده را اقرار شده جلوه دادن. در صورتی عمل مرتکب مشمول ماده «۱۰۴» می گردد که تحریر نوشته یا قرارداد یا مقاله نامه راجع به وظایف اش باشد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۷۱).

موضوع ماده «۱۰۶» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، جعل در اسناد و نوشته‌های غیررسمی است (ماده «۸۲»)^{۴۷} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). جعل اسناد و نوشته‌های غیررسمی در صورتی مشمول ماده «۱۰۶» قانون مزبور می گردد که فرد نظامی به مناسبت انجام وظیفه و به یکی از طرق مذکور در قانون در آن‌ها جعل نموده باشد، در غیر این صورت موضوع مشمول مقررات ماده فوق نمی شود (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۷۲). موضوع ماده‌های «۱۰۵» و «۱۰۷» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، استفاده از سند مجعول اعم از اسناد رسمی و نوشته‌های غیررسمی است (ماده‌های «۸۱» و «۸۳»)^{۴۹} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). جعل و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه و مستقل هستند، بنابراین اگر فردی سندی را جعل و سپس آن را مورد استفاده قرار دهد با

نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

۴۶- ماده ۸۰: هر نظامی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادها و مقاله‌نامه‌های راجع به وظایفش مرتکب جعل یا تزویر شود اعم از این که موضوع یا مضمون آن را تغییر دهد یا گفته و نوشته یکی از مقامات یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده اقرار جلوه دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد.

۴۷- ماده ۸۲: هر نظامی که به یکی از طرق مذکور در اسناد و نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

۴۸- ماده ۸۱: هر نظامی که اوراق مجعول در موارد فوق را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۴۹- ماده ۸۳: در صورتی که جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نمایند حسب مورد به اشد مجازات مندرج در مواد فوق محکوم می‌شود.

رعایت مقررات تعدد مادی (ماده «۱۲»)^{۵۰} قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب (۱۳۹۹) به مجازات هر دو جرم محکوم (آراء وحدت رویه شماره «۱۱۸۸»)^{۵۱} مورخ ۱۳۳۶/۰۳/۳۰ و شماره «۶۲۴»^{۵۲} مورخ

۵۰- ماده ۱۲: ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ به شرح زیر اصلاح و چهار تبصره ذیل آن حذف می‌شود: ماده ۱۳۴: در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است: الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند. ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هریک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هریک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند. ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است. ث- در هریک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است. ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند. ج- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود. ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیرا شد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود. خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هریک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

۵۱- چون استفاده از سند مجعول عمل جداگانه است که حتی نسبت به جاعل نیز جرم جداگانه محسوب است و عبارت «با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد» به منظور تعمیم نسبت به غیرجاعل در قانون ذکر است مضافاً بر اینکه ماده (۲) ملحقه به اصول محاکمات جزایی رفع هرگونه توهم را نموده لذا رأی شعبه پنجم دیوان کشور از این جهت صحیح به نظر می‌رسد.

۱۳۷۷/۰۱/۱۸ دیوان عالی کشور) می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۳۸۵). بنا به عقیده یکی از حقوقدانان، در صورتی می‌توان مرتکب را هم به ارتکاب جرم جعل و هم به استفاده از سند مجعول محکوم نمود که وی در واقع دو فعل متفاوت مرتکب شده باشد، والا هر گاه از او در عالم خارج بیش از یک فعل مشاهده نشده باشد، نسبت دادن ارتکاب دو جرم به وی معقول نخواهد بود. بنابراین، هر گاه کسی با مراجعه به اداره پست یا بانک، رسید حواله‌ای را که به نام دیگری است امضاء نموده و مبلغ حواله را دریافت نماید یا با مراجعه به اداره نظام وظیفه ضمن امضای برگه‌ای که به نام دیگری است، برگه پایان خدمت او را بگیرد یا این که دفتر خروج از شرکت یا پادگان را به‌عنوان شخص دیگری امضاء کرده و از شرکت یا پادگان خارج شود، ظاهراً باید وی را تنها به ارتکاب جرم جعل محکوم کرد، زیرا فقط یک فعل از او سر زده است. از سوی دیگر، هر گاه او در خانه اش ورقه شناسایی به نام شخصی که صاحب اصلی حواله یا برگه پایان خدمت است جعل کرده و سپس، با ارائه آن به بانک یا اداره پست یا اداره نظام وظیفه حواله یا برگه پایان خدمت را بگیرد، با توجه به ارتکاب دو فعل متمایز جعل و استفاده از سند مجعول از سوی او، حکم به ارتکاب دو جرم و در نتیجه تحمیل دو مجازات به وی معقول خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۳۸۵). در مورد استفاده از سند مجعول، صرف ارائه و ابراز سند یا نوشته مجعول به منظور استفاده جهت تحقق جرم کفایت می‌کند. به عبارت دیگر در استفاده از سند مجعول، سود و نفع بردن شرط نمی‌باشد.^{۵۳}

جعل یک جرم یقه سفید^{۵۴} است که عموماً به ساخت نادرست یا تغییر مادی یک ابزار قانونی با قصد

۵۲- نظر به اینکه به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده ۸۳ قانون مزبور نیز برای استفاده‌کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده‌کننده باشد مجازات مقرر گردیده است بنابراین بر طبق مواد مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است.

۵۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۰۸۷/اداره حقوقی قوه قضاییه مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳

۵۴- جرم یقه سفید (white-collar crime) در اشارات حقوقی و قانونی دلالت بر سوءاستفاده افراد بلندپایه از موقعیت و مقام خود است که بیشتر با جرائم مالی همراه است. این نظریه نخستین بار در مبحث جرم‌شناسی توسط جرم‌شناس آمریکایی ادوین ساترلند در دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شد. براساس تفکرات وی جرم‌های یقه سفید بیانگر فعالیت‌های غیرقانونی است که از اشخاص سرشناس و درخور احترام صوری و طبقه بالاتر جامعه سر می‌زند. شغل و موقعیت اجتماعی و اشرافی این دسته از جانیکناران ایجاب می‌کند که مانند طبقه ممتاز جامعه بهترین و گران بهاترین لباس با یقه سفید بر تن پوشند و صورت ظاهرشان موجب شود تا مردم به آن‌ها گمان بد نبرند و چپاول و غارتگری را دون شان انگارند.

خاص برای کلاهبرداری از هر کسی (غیر از خود) اشاره دارد. دستکاری در یک سند قانونی خاص ممکن است توسط قانون در برخی از حوزه‌های قضایی ممنوع باشد، اما چنین جرمی با جعل مرتبط نیست، مگر این که ابزار قانونی دستکاری شده در واقع در جریان جرم برای کلاهبرداری از شخص یا نهاد دیگری استفاده شده باشد. کپی‌ها، کپی‌های استودیویی^{۵۵} و تکثیرها^{۵۶} جعلی محسوب نمی‌شوند، اگرچه ممکن است بعداً از طریق اظهارات نادرست آگاهانه و عمدی به جعلی تبدیل شوند. جرم جعل از جمله جرائم مورد توجه از سوی نظامیان در ایالات متحده امریکا می‌باشد. این جرم در ماده «۱۰۵»^{۵۷} قانون دادرسی نظامی ایالات متحده امریکا مصوب ۱۹۵۰ (اصلاحی ۲۰۰۷) مورد توجه قرار گرفته است. قانون‌گذار در ماده فوق جعل و استفاده از یک سند جعلی را مدنظر قرار داده است. به عبارتی با توجه به مفهوم جرم جعل در قوانین عادی ایالات متحده امریکا، تلاش نموده تا ترکیبی از آن قوانین را در قانون مذکور منعکس نماید. به عبارت دیگر این نوع از بیان تعریف جعل در نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا می‌تواند شامل دستکاری در یک سند غیررسمی مانند مرخصی یا اسناد مهم‌تر در حوزه وظایف ارتش نیز باشد. آنچه که می‌توان در مجموع از این قانون دریافت، هرگونه منافی که به جهت ایجاد تغییر برای فرد جاعل ایجاد شود، می‌تواند مسببات حضور او در دادگاه نظامی و مجازات وی را در پی داشته باشد. متهمان در این گونه پرونده‌ها همان‌طور که در قسمت دوم بخش اول ماده «۱۰۵» این قانون مطرح شده، مستقیماً به دادگاه فرستاده می‌شوند و دادگاه نظامی در مورد متهم تصمیم خواهد گرفت. از سویی اگر نیروهای خدماتی با جعل اقدام به کلاهبرداری از دیگری کرده یا سندی جعلی را منتقل کرده یا از آن استفاده کرده باشد متهم به‌عنوان حق تشخیص داده شده از طریق دادگاه نظامی مجازات می‌شود. فرض بر این است که عمل جعل متهم باعث شده است که شخصی مسئولیتی را بپذیرد که متعلق به او نیست یا حقی را که مستحق آن بوده از دست بدهد. مراجعه به دادگاه نظامی به‌عنوان مرجع رسیدگی به این جرم نشان از اهمیت این عنوان مجرمانه در سیستم کیفری نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا دارد. مهم‌ترین جرم در فصل دویست و بیست و چهارم قانون جزای نمونه ایالات متحده

55- studio replicas

56- reproductions

57- ART. 105. Forgery Any person subject to this code who, with intent to defraud- (1) falsely makes or alters any signature to, or any part of, any writing which would, if genuine, apparently impose a legal liability on another or change his legal right or liability to his prejudice; or (2) utters, offers, issues, or tranzfers such a writing, known by him to be so made or altered; is guilty of forgery and shall be punished as a court-martial may direct.

امریکا مصوب ۱۹۶۲، جعل است که به موجب ماده «۱-۲۲۴» تعریف شده است. برای شناخت تأثیر ویژه جعل به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف اعتماد عمومی در اشکال مهم تجارت و به عنوان وسیله‌ای برای ارتکاب گسترده تقلب نیاز به یک جرم مستقل جعل است. این جرم به مدارکی که شاخصه قانونی یا تجاری ندارد نیز تسری داده شده است. واژه «نوشته» نیز به گونه‌ای تعریف شده که شامل پول، تمبر و مدارک دیگری است که به طور سنتی تحت عنوان جرم جداگانه تزویر به آن پرداخته می‌شود. هدف از تدوین این رفتار ممنوعه، تمرکز برخلاف واقع بودن نسبت به اصالت یا سندیت است و نه برخلاف واقع بودن هر مطلبی که در یک مدرک قانونی مذکور است. جرم جعل به عنوان جنایت از نوع دوم طبقه‌بندی گردیده و موضوع آن اسنادی است که مستلزم کارشناسی ویژه و رعایت تشریفات خاص بوده و می‌تواند به سادگی و وسایلی برای ارتکاب تقلب‌های گسترده باشد و جعل آن‌ها می‌تواند اعتماد به روند گسترده اسنادی را که نمایانگر قدرت مالی است، تضعیف نماید. جعل مدارکی که بر روابط قانونی تأثیرگذار باشد، جنایت از نوع درجه سوم محسوب می‌شود. این در حالی است که جعل سایر مدارک، جنحه است (آقایی نیا، حسین و محمودی جانکی، ۱۴۰۰، ۲۲۵).

۲-۲- وجوه اشتراک و افتراق سیاست کیفری جعل در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

آنچه که از دیدگاه قانون‌گذار به نظر می‌رسد، آن است که از دیدگاه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران بسته به مقام و منصب شخصیت نظامی که دستخط او مورد جعل واقع گردیده، در مجازات مجرم حائز اهمیت است هرچند این امر در واحدهای نظامی یک دیدگاه اشتباه محسوب می‌گردد، زیرا برخی از مناصب مرتبط با افراد با درجه پایین‌تر بوده، ولی دارای حساسیت خاص نیز می‌باشد. با این وصف در نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا هدف قانون‌گذار آن بوده تا هرگونه انجام جعل در اسناد اعم از رسمی و غیررسمی که در ارتباط با مباحث نظامی است مورد توجه قرار گیرد. از جمله وجوه اشتراک بین دو نظام کیفری آن است که هر دو قانون‌گذار در جرم جعل اسناد، از قوانین حاکم بر جرم جعل در قوانین عمومی نظام کیفری خود نیز استفاده نموده‌اند.

۳- سیاست کیفری براندازی در نظام کیفری نیروهای مسلح

۳-۱- سیاست کیفری براندازی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

جرم براندازی از جمله جرائمی است که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. جرم براندازی نیز همانند هر جرم دیگری از ارکانی تشکیل شده است که در صورت عدم احراز هر یک از این ارکان، نمی‌توان این جرم را به مرتکب منتسب نمود. لذا این ارکان به شرح زیر می‌باشند.

عنصر قانونی جرم براندازی: قانون‌گذار جهت تبیین عنصر قانونی جرم براندازی در نیروهای مسلح، به صراحت آن را در ماده «۱۷»^{۵۸} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، مورد تأکید قرار است (ماده‌های «۸»^{۵۹}، «۱۱»^{۶۰} و تبصره اول^{۶۱} ماده «۷۲» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱). این ماده علاوه بر این که رکن قانونی جرم براندازی محسوب می‌گردد، به بخشی از مصادیق آن نیز پرداخته است (رضوی، ۱۳۸۶، ۱۰۱). مصادیقی که به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده عنصر قانونی در ماده

۵۸- ماده ۱۷: هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد محارب محسوب می‌شود.

۵۹- ماده ۸: هر نظامی که به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد، محارب محسوب می‌شود.

۶۰- ماده ۱۱: نظامیانی که مرتکب جرائم زیر شوند در صورتی که ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن در براندازی حکم محاربت و در غیر این صورت به پنج تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌شوند. ۱- هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده است یا تأسیسات و تجهیزات و سازوبرگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظائر آنها را به دشمن تسلیم یا افشاء نماید. ۲- هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبانی کند. ۳- هر نظامی که با سوء نیت و عمداً تأسیسات، ساختمان‌ها، استحکامات نظامی کشتی یا هواپیما یا امثال آنها یا انبارها، راه‌ها، وسایل ارتباطی و مخابراتی یا مراکز محتوی اسناد و دفاتر یا اسناد طبقه‌بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح یا وسایل دفاعیه یا تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، اسلحه یا مهمات را آتش‌بزند یا تخریب کند یا وادار به انجام آن نماید. ۴- هر نظامی که در مقابل دشمن داخلی خارجی، نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عصیان نماید یا به هر صورت دیگر موجبات اجبار یا تحریک دیگران را فراهم سازد. ۵- هر نظامی که علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید. ۶- هر نظامی که برای دولتی که علیه ایران در حال جنگ است یا برای گروه‌ها یا دستجات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محاربین و مفسدین اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد.

۶۱- تبصره ۱: در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت و ایجاد فساد باشد یا در مواردی که در نتیجه اعمال مذکور لطمات جبران‌ناپذیری به عملیات نظامی وارد آید، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.

«۱۷» به آن اشاره شده است عبارتند از: الف- برنامه براندازی: اصولاً نظامیان به جهت دوره‌های خاص نظامی‌گری و جنگی که دیده‌اند، در خصوص برنامه‌ریزی و ایجاد طرح و ایده جهت انجام عملیات‌های نظامی از پتانسیل‌های مطلوبی نسبت به سایر اقشار جامعه برخوردارند، بنابراین یکی از عناصر مهم در براندازی، وجود طرح و برنامه برای چنین عملیاتی است. لذا ارائه طرح و نظارت بر اجرای آن نیز می‌تواند به‌عنوان عنصر قانونی براندازی مورد قبول واقع شود. ب- تشکیل جمعیت و شرکت در آن: اصولاً برنامه براندازی یک نظام، به تنهایی امری مشکل و غیرممکن خواهد بود، زیرا همان‌گونه که برنامه‌ریزی نیاز به پتانسیل‌های بالایی دارد، اجرای برنامه نیز باید به وسیله اشخاص متعدد اجرا گردد، بنابراین اگر فرد نظامی خود اقدام به تشکیل جمعیت یا گروه با هدف براندازی نماید، یا این که در جمعیت و یا گروه عضو گردد، می‌توان آن را از مصادیق رکن قانونی جرم براندازی دانسته و برای آن مجازات تعیین نمود. به عقیده یکی از حقوق‌دانان، با وجود وسواس قانون‌گذار در تصویب ماده «۱۷» قانون مزبور از جهت تبیین و توصیف معنای براندازی، ایراد اساسی یعنی توصیف رفتار مجرمانه مذکور به‌عنوان محاربه کماکان به قوت خود باقی است؛ زیرا هرچند قانون‌گذار مجازات و کیفر جرم موضوع این ماده را ملحق به حد محاربه کرده است، به دلیل توقیفی بودن حدود، چنین الحاق‌هایی محتاج نص و تصریح شارع است که چنین نصی وجود ندارد (آقابابایی، ۱۳۸۵، ۱۲۹).

عنصر مادی جرم براندازی: در بررسی عنصر مادی جرم لازم به نظر می‌رسد تا دو موضوع کاملاً مشخص گردد. اول بخش شکلی عنصر مادی جرم و دوم ماهیت عنصر مادی جرم براندازی است. در بررسی منظر شکلی در جرم براندازی، قانون‌گذار در ابتدای ماده «۱۷» به موضوع نظامی بودن اشاره داشته است، این امر بیانگر آن نیست که اگر فردی غیرنظامی باشد و اقدام به عملیات براندازی نماید مرتکب جرم نگردیده است، بلکه تأکید قانون‌گذار بر هر فرد نظامی، بیانگر صلاحیت رسیدگی محاکم نظامی به این دسته از جرائم است، لذا عنوان واژه نظامی با توجه به تعاریفی که قانون‌گذار از این واژه در ابتدای قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ارائه داده است را شامل می‌گردد. لذا از نظر شکلی، فاعل جرم باید با مفهوم نظامی بودن در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح همسو باشد (رضوی، ۱۳۸۶، ۱۰۱). اما بخش دیگر از عنصر مادی جرم به ماهیت جرم براندازی باز می‌گردد. اصولاً جرم براندازی از جمله جرائمی است که به لحاظ کیفری آن را در دسته جرائم مطلق دسته‌بندی می‌نمایند و به جهت آن که محقق گردد نیازی نیست که نتیجه ایجاد شود. به عبارت دیگر، همین که مرتکبان اقدام به برنامه‌ریزی و اجرای عملیات براندازی نمایند،

در هر سطحی که این عملیات انجام پذیرد اعم از این که پاسخ مورد نظر را از عملیات دریافت نمایند یا خیر، از نگاه قانون گذار جرم انجام شده محسوب گردیده است و به عبارتی مطلق بودن جرم، آن را مقید به نتیجه نمی نماید. به دیگر سخن، وقتی حوزه شمول عنصر مادی جرم براندازی را مطالعه نمائیم با عناصر ریز و متریک مواجه می شویم که در آن طراحی، برنامه ریزی، اقدام، تشکیل جمعیت و عضویت در جمعیت به هدف براندازی مشاهده می گردد، بنابراین ظهور هریک از این عناصر که می تواند تکمیل کننده حلقه براندازی باشد، برای انتساب اتهام به مرتکب یا مرتکبان نظامی کفایت می نماید.

در رابطه با عنصر جمعیت یادآوری این نکته ضروری است که ماده «۱۷» اشاره به تعداد افراد شرکت کننده در جمعیت، ننموده است اما تأکید ماده «۱۹»^{۶۲} به جمعیت بیش از دو نفر را می توان مصداقی برای جمعیت در ماده «۱۷» محسوب نمود. هرچند یادآوری این نکته نیز ضروری است که شرکت فرد نظامی در جمعیت با تشکیل جمعیت نیز می تواند در تفسیر این موضوع متفاوت باشد. زیرا وقتی فرد وارد جمعیت یا عضو جمعیتی می شود به میزان اثرگذاری در آن جمعیت، اتهام انتسابی به او مورد بررسی قرار خواهد گرفت، به همین دلیل در ماده «۱۹» اعضای جمعیت در صورتی که محارب شناخته نشوند از مجازات کمتری نسبت به محارب برخوردار خواهند شد. از آنجایی که ماده «۱۷» از واژه «جمعیت» استفاده نموده است، باید به این نکته اشاره نمود که اصولاً واژه «جمعیت» (ماده های «۱»^{۶۳} و «۲»^{۶۴} قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰) در اصطلاح حقوق عمومی، می تواند شامل دسته یا گروهی شود که با اخذ مجوز از طریق فرایند اداری، به فعالیت خود ادامه دهند که اصولاً مرجع صدور مجوز نیز وزارت کشور است (ماده «۶»^{۶۵} قانون فعالیت

۶۲- ماده ۱۹: هر نظامی که به منظور بر هم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به دو تا پنج سال حبس محکوم می گردند.

۶۳- ماده ۱: حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

۶۴- ماده ۲: انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده اهداف، برنامه ها و رفتار آن به گونه ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

۶۵- ماده ۶: فعالیت گروهها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده (۱۶) این قانون نگردند.

احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب (۱۳۶۰)، اما این که یک جمعیت یا دسته یا انجمن با مجوز اقدام به براندازی نظام نماید، را باید بر مبنای انحراف از اهداف و اساسنامه انجمن دانست و موضوع براندازی جمعیت‌ها و انجمن‌های رسمی، ارتباطی با مجوز آن‌ها نخواهد داشت. بنابراین با توجه به این که از لحاظ قانون تکلیف جمعیت‌های غیرقانونی مشخص بوده و اصولاً حتی اگر به نفع منافع نظام نیز اقدام نمایند، از نظر قانون، ماهیت شان غیرقانونی است تا زمانی که مجوز اخذ نمایند. قانون‌گذار نیز در ماده «۱۷» با به کار بردن واژه جمعیت، تفاوتی بین جمعیت یا دسته دارای مجوز یا بدون مجوز قائل نگردیده است و به نظر می‌رسد که استفاده از جمعیت، به مفهوم افراد بیش از دو نفر در قالب یک دسته یا جمعیت می‌باشد.

تشکیل دادن جمعیت: از دیگر مصادیق مورد اشاره در ماده‌های «۱۷» و «۱۸» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، بحث تشکیل دادن جمعیت یا عضویت در جمعیت است. هر چند قانون‌گذار در این قانون تعریفی از جمعیت یا عضویت به میان نیاورده است و این بدان دلیل است که مفهوم جمعیت و یا عضویت را به معنای عام آن در نظر گرفته است. با این وصف آنچه که از مفهوم ظاهری مادّین فوق به دست می‌آید، تشکیل‌دهنده جمعیت، در واقع کسی است که گروهی را با اهداف خاص انتخاب و مدیریت می‌نماید (یزدانیان، ۱۳۹۰، ۲۲). با این وصف در تشکیلات هر جمعیت نوع مدیریت‌ها می‌تواند متفاوت باشد، مدیریت می‌تواند به صورت تک نفره و یا به صورت گروهی منظور گردد. با این وصف از دیدگاه قانون‌گذار، احراز مدیریت فرد بر گروه اعم از انفرادی یا گروهی، می‌تواند در انتساب مجرمیت کافی به نظر آید. هر چند ماده «۴۰»^{۶۶} قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، هرگونه عضویت پرسنل نیروهای مسلح در جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی را ممنوع اعلام نموده است. بنابراین در هر صورت عضویت پرسنل نیروهای مسلح در جمعیت‌ها و انجمن‌ها از لحاظ قانونی حتی اگر نتایج آن به خرابکاری و براندازی بر علیه نظام منتهی نشود ممنوع می‌باشد.

عنصر روانی جرم براندازی: اصولاً وقتی بخواهیم عنصر روانی یک جرم را مورد بحث قرار دهیم، باید توجه نمائیم که منظور از عنصر روانی، قصد و نیتی است که مرتکب براساس آن، اقدام به

۶۶- ماده ۴۰: عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مداخله یا شرکت و یا فعالیت آنان در دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع است و مرتکبان به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌گردند و در هر حال ادامه خدمت یا رهایی این گونه افراد از خدمت به عهده هیئت‌های رسیدگی به تخلفات نیروهای مسلح می‌باشد.

عمل مجرمانه می‌نماید. لذا در بررسی عنصر روانی جرم براندازی، عمدی بودن جرائم را باید به‌عنوان محور اصلی و غیرعمدی بودن را باید فرع بر آن دانست. ضمن آنکه یادآوری این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که اصولاً جرائمی از این دست، را می‌توان در زمره جرائم مطلق در نظر گرفت، به عبارت دیگر لزومی ندارد که گروه، انجمن یا دسته به اهداف براندازی خود نائل گردند، همین که هدف گروه، براندازی بوده و در این حوزه اقدام نمایند بدون آن که به نتیجه دست یابند وقوع جرم انجام پذیرفته است.

جرم براندازی از جمله جرائم مورد توجه از سوی نظامیان در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. این جرم در ماده «۹۴»^{۶۷} قانون دادرسی نظامی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۰ (اصلاحی ۲۰۰۷) مورد توجه قرار گرفته است. هر شخص نظامی که اقدام به براندازی نماید یا برای سرکوب براندازی اقدامی انجام ندهد یا فرمانده مافوق خود را از عملیات براندازی مطلع نکند به اتهام براندازی مجرم شناخته شده و به اعدام محکوم خواهد شد. در فصل دویست و پنجاهم قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۶۲، ماده «۱-۲۵۰» جرم براندازی که تنها جنایت در این فصل است را تعریف می‌کند. اگر شخصی که با دو نفر یا بیشتر در جریان یک نافرمانی در یکی از شرایط با قصد ارتکاب یا تسهیل ارتکاب جنایت یا جنحه یا با قصد جلوگیری یا تحت فشار قراردادن اقدام رسمی یا زمانی که مرتکب یا شرکت‌کننده دیگری به تشخیص مرتکب از سلاح گرم یا سلاح کشنده دیگری استفاده نماید یا برای استفاده طراحی کند، مرتکب براندازی که جنایت از نوع درجه سوم است شناخته می‌شود (آقای نی، حسین و محمودی جانکی، ۱۴۰۰، ۲۷۴).

67- Art. 94. (a) Any person subject to this chapter who (1) with intent to usurp or override lawful military authority, refuses, in concert with any other person, to obey orders or otherwise do his duty or creates any violence or disturbance is guilty of mutiny; (2) with intent to cause the overthrow or destruction of lawful civil authority, creates, in concert with any other person, revolt, violence, or other disturbance against that authority is guilty of sedition; (3) fails to do his utmost to prevent and suppress a mutiny or sedition being committed in his presence, or fails to take all reasonable means to inform his superior commissioned officer or commanding officer of a mutiny or sedition which he knows or has reason to believe is taking place, is guilty of a failure to suppress or report a mutiny or sedition. (b) A person who is found guilty of attempted mutiny, mutiny, sedition, or failure to suppress or report a mutiny or sedition shall be punished by death or such other punishment as a court-martial may direct.

۳-۲- وجوه اشتراک و افتراق سیاست کیفری براندازی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

جرم براندازی در قوانین نظامی هر دو کشور مورد جرم انگاری واقع شده است. از دیدگاه قانونگذار جمهوری اسلامی ایران براندازی به معنای تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران است در صورتی این دیدگاه در نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا وجود ندارد. همچنین در نیروهای مسلح ایران تحت شرایطی شخص نظامی که اقدام به براندازی نموده است، محارب محسوب شده و به مجازات محارب محکوم خواهد شد و ممکن است تحت شرایطی به مجازات حبس محکوم گردد در صورتی که در نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا مجازات شخص نظامی که اقدام به براندازی نموده است اعدام می‌باشد.

۴- سیاست کیفری تبانی در نظام کیفری نیروهای مسلح

۴-۱- سیاست کیفری تبانی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

در بند «ب»^{۶۸} ماده ۲۱، بند «الف»^{۶۹} ماده ۳۳، ماده «۴۳»^{۷۰}، ماده «۷۴»^{۷۱} و ماده «۱۱۰»^{۷۲} قانون مجازات

۶۸- ماده ۲۱: نظامیانی که مرتکب جرائم زیر شوند چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند: ب- هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبانی کند.

۶۹- ماده ۳۳: نظامیان زیر که تعداد آنان حداقل سه نفر باشد شورش کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند: الف- نظامیان مسلحی که با تبانی یا به صورت دسته جمعی از اطاعت فرماندهان یا رؤسای خود سرپیچی کنند چنانچه مصداق محارب نباشند هریک به حبس از سه تا پانزده سال.

۷۰- ماده ۴۳: هر نگهبان که محل نگهبانی خود را بدون مجوز ترک نماید در صورتی که در مقابل دشمن با همکاری یا تبانی باشد یا عمل وی موجب اختلال در نظام (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب محکوم، در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود: الف- هرگاه در مقابل دشمن یا محاربان و مفسدان باشد به حبس از سه تا پانزده سال. ب- هرگاه در ناحیه‌ای باشد که در حالت جنگ و یا اعلام وضعیت و محدودیت‌های ضروری موضوع اصل هفتادونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و یا حالت آماده‌باش رزمی باشد به حبس از دو تا ده سال. ج- در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا دو سال.

۷۱- ماده ۷۴: فرار بیش از دو نفر که با تبانی قبلی صورت گیرد فرار با توطئه محسوب می‌گردد و چنانچه عنوان محاربه بر اقدام آنان صادق باشد به مجازات محارب محکوم و در غیر این صورت مجازات آن در زمان جنگ سه تا پانزده سال و در زمان صلح دو تا پنج سال حبس می‌باشد.

جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به جرم تبانی توسط پرسنل نیروهای مسلح اشاره شده است (بند اول ماده «۲۱۸»^{۷۳} قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷، بند دوم ماده «۳۱۱»^{۷۴}، ماده «۳۲۰»^{۷۵}، بند اول ماده «۳۲۸»^{۷۶}، ماده «۳۶۵»^{۷۷} قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸، بند دوم ماده «۱۱»^{۷۸}، بندهای اول و دوم ماده «۱۸»^{۷۹}، ماده «۲۶»^{۸۰}، ماده «۵۲»^{۸۱} و ماده «۸۶»^{۸۲} قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب

۷۲- ماده ۱۱۰: هر نظامی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های مربوط به نیروهای مسلح با دیگران تبانی نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل آن چه برخلاف مقررات تحصیل کرده است محکوم می‌شود.

۷۳- ماده ۲۱۸: اشخاص ذیل شورش‌کننده محسوب و به اعدام محکوم می‌شوند: ۱- نظامیان مسلحی که عده آن‌ها لاقبل چهار نفر بوده و از روی تبانی از اطاعت اوامر رؤسای خود سرپیچی نمایند.

۷۴- ماده ۳۱۱: نظامیان مشروحه پایین محکوم به اعدام می‌شوند: ۲- هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبانی نماید.

۷۵- ماده ۳۲۰: توطئه وقتی تحقق پیدا می‌کند که تصمیم انجام عمل در اثر تبانی بین دو نفر یا بیشتر اتخاذ شده باشد.

۷۶- ماده ۳۲۸: اشخاص مشروحه پایین شورش‌کننده محسوب می‌شوند: ۱- نظامیان مسلحی که عده آن‌ها لاقبل چهار نفر بوده و از روی تبانی و توطئه از اطاعت اوامر رؤسا خود سرپیچی نموده و برخلاف اوامر رؤساء خود رفتار نمایند.

۷۷- ماده ۳۶۵: فراری که با تبانی بین بیش از دو نفر نظامی به عمل آید فرار با توطئه محسوب می‌شود.

۷۸- ماده ۱۱: نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند در صورتی که ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن در براندازی حکم محاربت و در غیر این صورت به (پنج) تا (پانزده) سال حبس تعزیری محکوم می‌شوند. ۲- هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تبانی کند.

۷۹- ماده ۱۸: نظامیان زیر که حداقل تعداد آنان بیش از دو نفر باشد شورش‌کننده محسوب و به ترتیب ذیل محکوم می‌شوند. ۱- نظامیان مسلحی که با تبانی قبلی یا به صورت دسته‌جمعی از اطاعت فرماندهان یا رؤسای خود سرپیچی نمایند چنانچه از مصادیق محارب نباشند هر یک به حبس از سه تا پانزده سال. ۲- نظامیانی که در ارتباط با خدمت با تبانی قبلی و با سلاح گرم یا سرد به جان یا مال یا ناموس مردم یا اموال عمومی تعدی یا تجاوز نمایند چنانچه محارب محسوب نشوند به حبس از سه تا پانزده سال.

۸۰- ماده ۲۶: هر نگهبان که محل نگهبانی خود را بدون مجوز ترک نماید در صورتی که در مقابل دشمن با همکاری یا تبانی باشد و یا عمل وی موجب افساد و اختلال در نظام و یا شکست جبهه اسلام گردد در حکم محارب و در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود. ۱- هر گاه در مقابل دشمن و محاربت باشد به حبس از سه تا پانزده سال. ۲- هر گاه در ناحیه‌ای باشد که در حالت جنگ و یا اعلام وضعیت و محدودیت‌های ضروری موضوع اصل هفتادونهم قانون اساسی و یا حالت آماده‌باش رزمی باشد به حبس از دو تا ده سال. ۳- در سایر موارد به حبس از سه ماه تا سه سال.

۸۱- ماده ۵۲: فراری که با تبانی بیش از دو نفر باشد فرار با توطئه محسوب می‌گردد و چنانچه عنوان محاربه و افساد بر اقدام آنان صادق باشد به مجازات محارب و مفسد محکوم و در غیر این صورت تا یک و نیم برابر حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شوند.

۱۳۷۱). موضوع ماده «۷۴» فرار با توطئه است، مقنن فرار بیش از دو نفر که با تبانی قبلی صورت گیرد را فرار با توطئه محسوب نموده است. منظور از تبانی در این ماده تصمیم یا توافق یا هماهنگی قبلی بین حداقل سه نفر از اعضای نیروهای مسلح جهت فرار از خدمت می‌باشد. اگر چند نفر بر حسب اتفاق در یک زمان و با هم مرتکب فرار از خدمت شوند ولی با یکدیگر تبانی نکرده باشند، مشمول مقررات این ماده نمی‌گردند. مجازات مرتکبین موضوع این ماده حسب این که عنوان محاربه بر عمل آنان صدق کند و یا مشمول این عنوان نشود و یا این که فرار در زمان جنگ و یا صلح باشد متفاوت است.

آیا برای تحقق فرار موضوع ماده «۷۴»، رعایت نصاب‌های مقرر مربوط به زمان صلح و یا جنگ نیز شرط است یا صرف فرار با تبانی با مقررات این ماده انطباق دارد و رعایت نصاب‌های قانونی مربوط شرط نیست؟ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این پرسش اعلام نموده است: «با توجه به این که بزه فرار از خدمت در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح تعریف مشخصی دارد و بر مبنای نصاب‌های معین در زمان صلح و یا جنگ پیش‌بینی شده است و در هر موردی که وضعیت خاصی غیر از نصاب‌های مزبور مورد نظر مقنن بوده به این امر تصریح نموده است لذا به نظر می‌رسد جرم فرار از خدمت موضوع ماده «۷۴» حسب مورد مستلزم تحقق نصاب‌های تعیین شده در قانون باشد» (یزدانیان، ۱۳۸۵، ۶۶). رکن مادی ماده «۱۱۰» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تبانی در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های نیروهای مسلح است (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۶). منظور از مناقصه، خریداری مال یا اموال معین از طرف مأمور رسمی به کمترین قیمتی که از طرف فروشندگان پیشنهاد می‌شود و همچنین هر گاه مناقصه انجام عملی باشد. مناقصه معمولاً در مورد خرید خدمت و کالا به کار می‌رود (ماده «۸۱»^{۸۳} قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶). مزایده معمولاً در مورد فروش کالا یا خدمت به بالاترین قیمت ممکن به کار می‌رود. در مزایده افرادی که قصد خرید دارند با هم رقابت

۸۲- ماده ۸۶: هر نظامی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های مربوط به نیروهای مسلح یا دیگران تبانی نماید علاوه بر جبران خسارت به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل آن چه بنا حق تحصیل کرده است محکوم می‌گردد.

۸۳- ماده ۸۱: مناقصه در معاملات به طرق زیر انجام می‌پذیرد: الف- در مورد معاملات جزیی به کمترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت کارپرداز. ب- در مورد معاملات متوسط به کمترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت کارپرداز و مسئول واحد تدارکاتی مربوط و تأیید وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی در مرکز و یا استان و یا مقامات مجاز از طرف آنها. ج- در مورد معاملات عمده با انتشار آگهی مناقصه عمومی و یا ارسال دعوت‌نامه (مناقصه محدود) به تشخیص وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی و مقامات مجاز از طرف آنها.

می‌کنند و فردی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌کند برنده مزایده و خریدار محسوب می‌شود (ماده «۸۲»^{۸۴} قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶). برابر ماده «۸۰»^{۸۵} قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ معاملات دولتی به سه دسته جزئی، متوسط و عمده با توجه به مبلغ آن‌ها تقسیم می‌شوند. مبنای نصاب در خرید برای معاملات جزئی و متوسط، مبلغ مورد معامله و در مورد معاملات عمده مبلغ برآورد می‌باشد. همچنین مبنای نصاب در فروش، مبلغ ارزیابی کاردان خیره و متعهد در رشته مربوط که توسط دستگاه اجرایی ذی‌ربط انتخاب می‌شود خواهد بود (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۶).

منظور از تبانی در معاملات دولتی توافق، مواضعه و همدستی پنهانی دو یا چند نفر در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی یا شهرداری‌ها و یا نیروهای مسلح است که منجر به ایراد خسارت یا ورود ضرر به دولت یا نیروهای مسلح یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور گردد. طرف دیگر تبانی در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های مربوط به نیروهای مسلح با توجه به عبارت «هر نظامی» در صدر ماده «۱۱۰» قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مشمول مجازات مقرر در ماده مزبور نمی‌گردد، مگر آن که طرفین معامله هر دو از یگان‌های نظامی باشند، یعنی معامله یا مناقصه و مزایده بین دو سازمان نظامی صورت گرفته باشد که در این صورت طرفین تبانی، وفق مقررات ماده «۱۱۰» مجازات خواهند شد. فلذا چنانچه طرف تبانی غیرنظامی باشد، مجازات وی برابر مقررات «قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸»^{۸۶} تعیین می‌گردد (یزدانیان، ۱۳۸۷، ۶۷). لازم به ذکر است که نیروهای مسلح

۸۴- ماده ۸۲: مزایده در معاملات به طریق زیر انجام می‌پذیرد: الف- در مورد معاملات جزئی به بیشترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت مأمور فروش. ب- در مورد معاملات متوسط با حراج. ج- در مورد معاملات جزئی به بیشترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت مأمور فروش. ب- در مورد معاملات متوسط با حراج. ج- در مورد معاملات عمده با انتشار آگهی مزایده عمومی.

۸۵- ماده ۸۰: معاملات دولتی به سه دسته جزئی، متوسط و عمده به شرح زیر تقسیم می‌شود: الف- معاملات جزئی: معاملاتی است که مبلغ آن از سیصد هزار ریال تجاوز نکند. ب- معاملات متوسط: معاملاتی است که مبلغ آن از سیصد هزار ریال بیشتر باشد و از دو میلیون ریال تجاوز ننماید. ج- معاملات عمده: معاملاتی است که مبلغ آن از دو میلیون ریال بیشتر باشد.

۸۶- ماده واحده: اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداری‌ها یا یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور بشود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آن چه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند. هر گاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکت‌ها و یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم و یا اطلاع از تبانی

جهت برگزاری مناقصه باید مقررات «آئین نامه مقررات برگزاری مناقصات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶» را رعایت نمایند.

در حقوق کامن لا، تبانی مشتمل بر توافق دو یا چند نفر برای انجام عمل مجرمانه یا استفاده از وسیله غیرقانونی برای انجام هدف غیرمجرمانه است. مفهوم اصلی این جرم، توافق غیرقانونی بین طرفین بوده و نیازی به عمل مشهود در بعضی موارد ندارد (حکیمی‌ها و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۳). توجیه اولیه برای جرم تبانی این است که تبانی جرمی مانع است که هدف از آن جلوگیری از انجام و بازداشتن مرتکب از ارتکاب جرم اصلی است (Goode, 1975, 957). سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا تبانی به‌عنوان جرمی متمایز از سایر جرائم که تبانی‌کنندگان بر ارتکاب آن توافق نموده‌اند، محسوب می‌گردد؟ شاید دادستان «فلیکس فرانک فورتر» یکی از متقاعدکننده‌ترین پاسخ‌ها را به این سؤال داده است. از نظر ایشان اعمال مربوطه، هم از نظر افزایش احتمال این امر که هدف مجرمانه به صورت موفقیت آمیزتری به دست می‌آید و هم از نظر کاهش احتمال اینکه افراد درگیر در آن، از مسیر مجرمانه خود منصرف گردند دارای اهمیت. تبانی جهت ارتکاب جرم، احتمال ارتکاب جرائم دیگر را، بدون آنکه مرتبط با هدف اولیهای گروه باشد، افزایش می‌دهد. در نهایت، خطری که تبانی ایجاد میکند به جرم ماهویای که مبادرت به آن، احتمال ارتکاب جرائم دیگر را، بدون آنکه مرتبط با هدف اولیه گروه باشد، افزایش می‌دهد. در نهایت، خطری که تبانی ایجاد می‌کند به جرم ماهوی که مبادرت به آن، هدف فوری مرتکبین بوده است، محدود نمی‌شود (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵، ۱۵). ماهیت تبانی توافق است، توافق برای ارتکاب یک جرم که به وسیله قانون ممنوع اعلام شده است. تبانی می‌تواند به وسیله گفتار یا اعمال ثابت گردد. بدین معنا که دادستان می‌تواند وجود توافق را هم با ادله مستقیم و هم به وسیله امارات که از توافق میتوان تفسیر نمود، اثبات نماید. امارات می‌توانند شامل این موارد گردند: الحاق آشکار متهم در مورد معاملات و مذاکرات برای پیشبرد تبانی؛ ارتباط با نفر دیگر تبانی؛ نمایندگی دوجانبه متهم با دیگر افراد و سایر ادله‌ای که نشان‌دهنده وحدت قصد و یا نقشه مشترک میان تبانی‌کنندگان برای رسیدن به اهداف تبانی است (Cousens, 1937, 989). در تبانی بایستی بین قصد تبانی‌کنندگان برای توافق و قصد آن‌ها برای رسیدن به

معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

موضوع جرم، تمایز ابتدایی قائل شد. این مسئله بدین خاطر است که تباری دو بخش دارد، یکی قصد تباری و دیگری خود تباری که با بخش قبلی در ارتباط است. در حقوق ایالات متحده امریکا تنها قصد مشترک برای نقض موضوعاتی که به وسیله قانون تحت حمایت قرار گرفته‌اند، تباری محسوب و موجب مسئولیت کیفری اشخاص می‌شود. به‌طور کلی این نظر پذیرفته شده که قصد حصول هدف مورد نظر تباری، عنصر روانی مورد نیاز برای جرم تباری است. این نظر معتقد است که قصد مورد نیاز برای تباری حداقل میزانی از قصد مجرمانه است که برای جرم اصلی مورد قصد لازم است؛ بنابراین آنچه مورد نیاز تباری است قصد حصول به هدف مورد نظر است (Lafave, 2000, 579). در حقوق کیفری ایالات متحده امریکا برای محکوم کردن فرد به جرم تباری، نیازی به ارتکاب جرم اصلی که موضوع تباری بوده است، نیست و در صورت ارتکاب جرم اصلی تنها مجازات جرم ارتکابی و نه تباری برای وی در نظر گرفته می‌شود. تباری جرمی است که با نقشه مجرمانه شروع می‌شود و ممکن است تا زمان رسیدن به هدف مورد نظر یا ترک آن هدف ادامه یابد. مسئولیت کیفری اشخاص تباری کننده از زمانی که به نقشه مجرمانه ملحق می‌شوند تا زمانی که پایان یابد، ادامه دارد. در حقوق کیفری ایالات متحده امریکا حتی اگر دو نفر از تباری کنندگان خواستار ادامه تباری و توافق فیمابین طرفین باشند و برخی از این توافق صرف نظر کرده باشند، برای اشخاص اخیر، این انصراف دفاع محسوب نمی‌شود و در صورت انصراف از تباری با تحقق شرایط، تباری کنندگان مسئول هستند. شخصی که ادعا می‌کند از تباری صرف نظر کرده است، نه تنها بار اثبات اینکه اقدامات سایر تباری کنندگان بعد از خروج وی بوده، برعهده خودش است، بلکه بایستی نقشه مجرمانه تباری را به اطلاع مقامات برساند (حکیمی‌ها، ۱۳۹۶، ۷۳). موضوع تباری در ماده «۸۱» قانون مربوط به جرائم نیروهای مسلح ایالات متحده امریکا درج گردیده است. مطابق این ماده، هر شخص نظامی که با هر شخص دیگری برای ارتکاب جرمی تباری کند و آگاهانه اقدامی آشکار برای تحقق هدف تباری انجام دهد، در صورتی که عمل وی منجر به مرگ شود، در دادگاه نظامی به مجازات اعدام و در صورتی که عمل وی منجر به مرگ نشود به حبس محکوم خواهد شد.

۴-۲- وجوه اشتراک و افتراق سیاست کیفری تباری در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، تباری در چند مورد به کار رفته است، اول می‌توان دید که تباری با دشمن برای برآورده ساختن اهداف دشمن در نظر گرفته شده که در قانون تصریح شده که در چنین

شرایطی چنانچه ارتکاب جرم تبانی با دشمن به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه سال تا پانزده سال حبس محکوم می‌گردد. در حکم دیگری که مجازاتی مشابه تبانی با دشمن دارد، تبانی با همکاران، در سرپیچی دسته جمعی از دستورات فرمانده بیان شده که در چنین شرایطی اگر از اطاعت فرماندهان یا رؤسای خود سرپیچی کنند چنانچه مصداق محارب نباشند هر یک به حبس از سه سال تا پانزده سال حبس محکوم خواهند شد. در شرایط دیگری تبانی در ترک نگهداری بیان شده که در چنین شرایطی اگر در مقابل دشمن یا محاربان و مفسدان باشد به حبس از سه سال تا پانزده سال و اگر در ناحیه‌ای باشد که در حالت جنگ و یا اعلام وضعیت و محدودیت‌های ضروری موضوع اصل هفتادونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و یا حالت آماده‌باش رزمی باشد به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهند شد. حالت دیگری هم وجود دارد که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود حبس از سه ماه تا دو سال محکومیت وجود دارد.

در ایالات متحده آمریکا به مانند دیگر جرائم، تبانی نظامیان در عمل با شدت بیشتری نسبت به تبانی غیرنظامیان در نظر گرفته می‌شود. مجازات اعدام هرگز برای اشخاص غیرنظامی در جرم تبانی در نظر گرفته نخواهد شد. اما برای پرسنل نظامی، در صورتی که تبانی منجر به مرگ فرد یا افرادی شود، قطعاً اعدام را در پی خواهد داشت و در غیر این صورت، قانون‌گذار مجازات کمتری در نظر خواهد گرفت که البته آن هم شامل جرائم مالی سنگین و حبس‌های طولانی‌مدت خواهد بود. نوع دیگری از تبانی نظامیان و پرسنل ارتش که اخیراً در نوامبر ۲۰۱۹ در پی تبانی نظامیان با کارکنان برخی شرکت‌های دیگر با هدف حیف و میل امکانات دولتی صورت گرفته، با برخورد شدید همراه بوده و دادستان وزارت دادگستری آمریکا با لفظ غیرقابل تحمل از این تبانی نامبرده است. این مورد تبانی به این گونه بوده که با سوءاستفاده از مقام همراه بوده و با از بین بردن رقابت بین شرکت‌های شان و تضمین فروش برای یک برنده از پیش تعیین شده، بخشی از نظامیان، توطئه کرده‌اند. برای اجرای این طرح، آن‌ها الگوهای پیشنهادی شرکت خود را مبادله کردند و از طرف یکدیگر به مشتریان نظامی پیشنهاد دادند.

نتیجه

اتخاذ سیاست کیفری در حوزه جرائم نیروهای مسلح، در تمام کشورها از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا نیروهای مسلح دارای وظایف مشخص و معینی بوده و برخی از عملکردهای آن در ارتباط مستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشد. تبیین یک سیاست کیفری کارآمد در این حوزه، علاوه بر آن که تخصص‌های مربوط به خود را می‌طلبد، بایستی با در نظر گرفتن جایگاه نظامیان و جرائم ارتكابی و واکنش‌های مقنن به جرائم ارتكابی، با ظرافت‌های خاصی پیش‌بینی گردد. بنابراین سیاست کیفری در این حوزه نیز ویژگی خاص خود را دارد زیرا در مجازات جرائم عمومی، اگر فرد متخصصی، مرتکب جرمی گردد، محاکم جدای از بحث سیاست کیفری حاکم بر جرائم عمومی، صرفاً به مجازات آن اقدام نموده و پس از تحمل مجازات، نظام کیفری، با او در ارتباط نخواهد بود. اما در سیاست کیفری نیروهای مسلح، این گونه نخواهد بود زیرا تخصص‌ها در نیروهای مسلح بسیار ارزشمند و هزینه بر بوده و در صورتی که فردی مجازات گردد، ارتباط نیروهای مسلح با وی جز در موارد استثنایی قطع نخواهد شد، بلکه پرسنل مورد مجازات، مجدداً در خدمت نیروهای مسلح خواهد بود. لذا سیاست کیفری حاکم بر این نوع از نظام کیفری، باید به اندازه‌ای ظریف و مقتدر باشد که علاوه بر مجازات مجرم، انگیزه‌های ادامه خدمت او در نیروهای مسلح را زائل ننموده و پس از تحمل مجازات، پرسنل مربوطه، مجدداً در ادامه خدمت خود کوشا باشند. در خصوص جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی ارتكابی توسط نیروهای مسلح رویکرد قانون‌گذار ایرانی و امریکایی یک رویکرد امنیت‌گرایی محض و صرف است و بدون توجه به نوع جرائم ارتكابی مقنن سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای برای نظامیان در این حوزه پیش‌بینی نموده است که جای انتقاد دارد؛ چراکه اهمیت تمامی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی به یک میزان نمی‌باشد و منطقی آن است که رویکرد قانون‌گذار در زمینه پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری برای ارتكاب این جرائم با توجه به نوع جرم، شدت، وخامت، آثار و نتایج زیانبار آن در نظر گرفته شود که چنین رویکردی در سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا مشاهده نمی‌گردد و در این زمینه بایستی رویکرد قانون‌گذار از دیدگاه امنیت‌گرایی محض به سمت رویکرد عدالت‌محور و شهروندمحور تغییر یابد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آقابابایی، حسین، ۱۳۸۵، تحلیل جرم براندازی در حقوق کیفری ایران، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۱۰.

- آقایی نیا، حسین و محمودی جانکی، فیروز، ۱۴۰۰، **قانون جزای نمونه ایالات متحده آمریکا و یادداشت‌های توضیحی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- اردبیلی، محمدعلی و فروتن، مصطفی، ۱۳۹۵، فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۷۳.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حکیمی‌ها، سعید؛ جودکی، بهزاد؛ غنی، کیوان، ۱۳۹۶، بررسی جرم تبانی در حقوق کیفری ایران و آمریکا، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۲.

- رضوی، محمد، ۱۳۸۶، **حقوق کیفری نیروهای مسلح**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

- غلامی، علی و بحیرایی، امیرحسین، ۱۳۹۶، فاعل معنوی جرم و ارتباط آن با عناوین مشابه، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۲۰.

- محمودیان اصفهانی، کامران، ۱۳۹۴، آثار بقای حیات در مجازات‌های سالب حیات در فقه امامیه و حقوق کیفری، **فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۲.

- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۲، **حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**،

چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات میزان.

- یزدانیان، محمدرضا، ۱۳۸۶، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۶۶.
- یزدانیان، محمدرضا، ۱۳۸۷، شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۶۷.
- یزدانیان، یوسف، ۱۳۹۰، **جرائم در حوزه امنیت داخلی و خارجی**، چاپ اول، تهران، انتشارات نور عدالت.

لاتین

- Cousens, Theodore, 1937, Agreement as an Element of Conspiracy, VA.L.REV, No. 23.
- Goode, Mathew, 1975, Criminal Conspiracy Law in Canada, Carswell.
- Lafave, Wayne, 2000, Criminal Law, West Group.
- Uniform Code of Military Justice (UCMJ) 1950
- Model Penal Code (MPC) 1962

Legal Civilization

No.14- Spring 2023

ISSN : 2873-1841
ISSN : 2873-1922

The Actions of International Organizations and Protection of Children's Rights in the Conditions Caused by the Epidemic of Covid-19

Mostafa Fazaeli, Sakineh Rezaie

Factors of Violence in the Family from the Perspective of the Qur'an

Ali Mohammadi Jorkoyeh

Third-Party Funding in International Arbitration (TPF)

Mohammad Mahdi Asadi

A Comparative Study of the Approach of Islamic Jurisprudence and Humanitarian Law in Supporting the Rights of Children in War

Meisam Norouzi, Mehdi Eskandari Khoshguo, Sanaz Abolghasemi

Alternative Challenges of Criminal Prosecution in Iran and United States of America

Amin Amirian Farsani

Principles and Rules Governing Stock Exchange Transactions

Sayyed Ali Ghaemmanesh

Examining the Difference between Muslim and Infidel Rights with the Issue of Human Dignity

Shaghayegh Amerian, Mohammadreza Keikha

A Deliberation in Iran's Criminal and Legislative Policy towards the Disgrace of the Defendants; with a Look at Jurisprudence and International Documents

Ali Paidarfard, Javad Naderi ooj Boghzi, Ahmadreza Emtehani

A look at the Ownership of Immaterial and Non-Intellectual Property in Iranian Law

Maryam Taheri Sarteshnizi

Re-exploring the Jurisprudential Foundations of Unilateral Contract and the Contract for Abra' in Jurisprudence of Islamic Religions

Morteza Rahimi, Ali Mahmoodi Kakooni

Iran's Legislative Criminal Policy Regarding the Violation of Citizen's Rights by the Cyber Police

Mohammad Khorshidi Athar

Criticism and Evaluation of Criminal Policy (Preventive) against Administrative Corruption in Iran's Criminal System

Rostam Ali Akbari, Saeid Ahmadi, Eraj Morvati, Behnam Karimi

Differential Criminal Policy of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran and the United States of America in Crimes Against Public Security and Peace

Yasser Shakeri